

شنبه 30 تیر 1397-8 ذی القعدة 1439-21 جولای 2018

قیام مردم مسلمان ایران به رهبری آیت الله "کاشانی" و به قدرت رسیدن مجدد مصدق (1331ش)



قیام مردم مسلمان ایران به رهبری آیت الله "کاشانی" و به قدرت رسیدن مجدد مصدق (1331ش) وقتی که دکتر مصدق می‌خواست علاوه بر نخست وزیری، وزارت جنگ را نیز برعهده بگیرد، با مخالفت شاه مواجه شد. بنابراین مصدق استعفا داد و شاه هم بلافاصله احمد قوام را مأمور تشکیل کابینه نمود. در این میان آیت الله کاشانی که حضور دکتر مصدق را در نخست وزیری مفید می‌دانست با اتخاذ تصمیمی قاطع، بازگشت مصدق به نخست وزیری را خواستار شد. آیت الله کاشانی تهدید کرد، در صورتی که قوام کنار نرود اعلام جهاد کرده و کفن می‌پوشد و پیشاپیش مردم حرکت خواهد کرد. احمد قوام که مردی وابسته به استعمار و در خدمت دستگاه استبدادی بود، بلافاصله پس از نخست وزیری، نغمه شوم جدایی دین از سیاست را سر داد و لبه تیز حملات خود را متوجه رهبری نهضت یعنی آیت الله کاشانی و نیروهای مسلمان کرد. آیت الله کاشانی با انتشار اعلامیه‌ای به صدور فرمان نخست وزیری قوام السلطنه به شدت اعتراض نمود. به این ترتیب وقایع سی‌ و تیر شکل گرفت و قیام عمومی مردم مسلمان، در شهرهای مختلف ایران آغاز شد. هرچند این تظاهرات به وسیله عوامل شاه به خاک و خون کشیده شد، اما در نهایت، شاه، عقب‌نشینی کرد و چون در رضایت و تطمیع آیت الله کاشانی توفیقی به دست نیاورد، مجبور شد، قوام را برکنار کرده و بار دیگر مصدق را به نخست وزیری مأمور سازد و وزارت جنگ را نیز به او بسپارد. مصدق پس از به دست‌گیری مجدد قدرت، سرلشکر وثوق عامل کشتار مردم بی‌گناه در جریان قیام را به معاونت وزارت جنگ منصوب نمود و چون آیت الله کاشانی به این عمل اعتراض کرد، مصدق در نامه‌ای، از آن روحانی مجاهد خواست تا در امور سیاسی مداخله ننماید. این عمل، پشتیبانی مردم را از مصدق برداشت و دولت مصدق که برای دومین بار در اثر مبارزات پیگیر مردم روی کار آمده بود، بیشتر از سیزده ماه دوام نیاورد و سرانجام با کودتای آمریکایی 28 مرداد سال 1332 شمسی، سرنگون شد.

درگذشت خطیب شهیر و واعظ معروف حجت الاسلام شیخ "احمد کافی" (1357 ش)

حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ احمد کافی یزدی در سال 1307ش برابر با سال 1347 ق در مشهد مقدس به دنیا آمد. وی پس از پایان دروس مقدمات و ادبیات عرب، به دلیل شوق و علاقه شدید به منبر، به وعظ و ارشاد مردم پرداخت. شیخ احمد کافی در حالی که بیش از پانزده سال از عمرش نمی‌گذشت، در شب‌های جمعه برای صدها نفر از زائران امام رضا(ع) با شور و حال خاصی دعای کمیل می‌خواند و فضایی معنوی ایجاد می‌کرد. وی در شانزده سالگی برای تکمیل تحصیلات علوم اسلامی به نجف اشرف عزیمت کرد و از محضر آیت الله خویی و آیت الله سید اسدالله مدنی و... استفاده برد. از آن پس برای تبلیغ به اکثر نقاط ایران مسافرت کرد و در همه جا مورد استقبال مردم قرار گرفت. حجت الاسلام کافی سرانجام در تهران رحل اقامت افکند و به خدمات دینی و انجام وظایف مذهبی همت گماشت. وی، واعظی متدین و خطیبی غیور و در امور دینی، جدی و بسیار مبارز و مجاهد و در مقابل انحرافات و منکرات و برخورد با تبلیغات مسموم دشمنان دین، مقاوم و محکم بود. این خطیب بزرگ، از به میدان آمدن و مبارزه کردن با بی‌دینیان هراسی نداشت و تقیه نمی‌کرد. وی در سفرهای متعددی که به مکه و مدینه داشت، بارها، سخنان مهمی ایراد کرده و از حریم ولایت آل محمد، به ویژه امام علی(ع)، در مقابل خفاشان حقیقت گریز وهایی، دفاع نموده است. در حالی که بردن نام حضرت امام خمینی(ره)، در دوران حکومت رژیم پهلوی جرم محسوب می‌شد، حجت الاسلام کافی در مجامع عمومی از حضرت امام به بزرگی و عظمت یاد می‌کرد. سرانجام این محب اهل بیت (ع) چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی درسی تیرماه 1357 در 50 سالگی در سانحه‌ای مشکوک دار فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.

وفات امیرخسرو دهلوی، از عرفا و شعرای نامدار پارسی گوی هند (725ق)

امیر ناصرالدین ابوالحسن خسرو بن امیر سیف الدین محمود دهلوی از عارفان و شاعران نامدار پارسی گوی هندوستان، در نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری می‌زیست؛ وی در سال ۶۵۱ق چشم به جهان گشود. پدرش سیف الدین محمود از امرای قبیله «لاچین» از ترکان ختایی ماوراءالنهر بوده است. در روزگار حمله و استیلای قوم تاتار، امیر سیف الدین محمود مانند بسیاری از ساکنان نواحی شرقی فلات ایران به هندوستان عزیمت کرد و این مصادف با پادشاهی «شمس الدین التتمش» (۶۰۷ق تا ۶۳۳ق) بر دهلوی بود. امیر سیف الدین محمود به خدمت این پادشاه درآمد. این شاعر نامدار بخش عمده زندگی خود را در خدمت به سلاطین مختلف روزگارش گذراند، با این حال، دست ارادتی که به سلطان المشایخ روزگار خود «شیخ نظام الدین محمد بن احمد دهلوی» مشهور به نظام اولیا (متوفی ۷۲۵ق) داد و تربیتی که از او یافت، در حوزه تصوف نیز به او مقام و مرتبه ویژه ای بخشید و تالاف آموزه های حکمی و عرفانی در اشعار او کاملاً آشکار است. او این آموزه ها را با بهره گیری از آثار استادان نامدار ادب فارسی به ویژه سعدی،

نظامی، سنایی و خاقانی در اوج فصاحت و شیوایی عرضه می دارد. bull& میرخسرو به نظم و نثر آثار فراوانی دارد. در غزل از پیروان سعدی بود، در قصیده از شاعران قرن ششم، خاصه سنایی و خاقانی تقلید می کرد و در مثنوی تابع نظامی گنجوی بود؛ وی یکی از پرکار ترین شاعران پارسی گوی و در این باب حقاً کم نظیر است. جامی می گوید او ۹۹ کتاب تصنیف کرده است و از قول میرخسرو نقل کرده اند که اشعارش از چهارصد هزار بیش تر و از پانصد هزار کم تر است. مهارتی که نظامی گنجوی در تنظیم و ترتیب منظومه های خود به کار برده بود، باعث شد که آثار او مورد تقلید شاعران بعد از وی قرار گیرد. اولین کسی که از وی تقلید کرد میرخسرو دهلوی بود و بعد از شاعران دیگری نیز از نظامی تقلید کرده اند اما وی یکی از موفق ترین مقلدان نظامی است. هم چنین بعضی از قدا معتقد بودند که اولین نشانه های وقوع گویی در اشعار میرخسرو پیدا می شود. سبک او بین عراقی و هندی است. با وجود این که میرخسرو غالب اشعارش را با تقلید و اقتباس از شاعران بزرگ سروده است، باید پذیرفت که به یاری طبع روان و ذوق خدادادی و نیز به سبب این که او در محیط جدیدی از ادب فارسی تربیت شده و لهجه ای نو و ترکیباتی تازه و اندیشه هایی خاص نصیبش شده بود، طبعاً تازگی های بسیار در سخن وی مشاهده می شود و بسیاری از مضامین نو و ابیات منتخب در آثار او ملاحظه می گردد و مسلماً به همین سبب است که شاعران و نویسندگان بعد از او بار ها به استادی یاد کرده اند. آثار منظوم میرخسرو عبارت اند از: الف) دیوان قصاید و غزلیات. ب) خمسه ای که به تقلید از نظامی سروده است؛ مطلع الانوار در جواب مخزن الاسرار نظامی؛ شیرین و خسرو در جواب خسرو و شیرین؛ مجنون و لیلی در جواب لیلی و مجنون؛ آینه اسکندری در جواب اسکندرنامه نظامی؛ هشت بهشت در جواب هفت پیکر نظامی. ج) مثنوی های دیگر از قبیل قران السعیدین. آثار منثور میرخسرو نیز بدین شرح است: الف) خزائن الفتوح، معروف به تاریخ علایی در تاریخ سلطان علاء الدین محمد خلجی. ب) رسایل الاعجاز یا اعجاز خسروی، در ذکر قواعد انشاء زبان فارسی آغاز جنگ تاریخی "اهرام" بین نیروهای فرانسوی و مصری (1798م)

با قدرت؛ گیری ناپلئون بُنپارت در فرانسه و آغاز کشور گشایی؛ های او، ناپلئون قصد حمله به انگلیس را در سر می؛ پروراند، اما چون نیروی دریایی فرانسه، توان لازم را برای این کار نداشت، لذا ناپلئون تصمیم گرفت که در خارج از اروپا، بر انگلستان لطمه زند. به همین دلیل از آن جا که هندوستان مخزن قوای اقتصادی و منبع معیشت انگلستان به شمار می؛ رفت و سرزمین مصر نیز در مسیر هند قرار داشت، ناپلئون نقشه حمله به مصر را کشید. در صورت تصرف مصر، هم يك مستعمره بزرگ معادل تمام مستعمرات فرانسه به دست ناپلئون می؛ افتاد و هم به عنوان يك مركز نظامی برای حمله به هند مورد استفاده قرار می؛ گرفت. در آن زمان مصر تحت نفوذ امپراتوری عثمانی قرار داشت و توسط امرای مملوك موسوم به ممالیک اداره می؛ شد. در نهایت در 21 ژوئیه 1798م، جنگ میان فرانسه و مصریان آغاز شد و علی؛ رغم مقاومت ممالیک، ناپلئون موفق به فتح مصر گردید و تا آخر ژوئیه، قاهره نیز به تصرف ناپلئون درآمد. در این هنگام، در حالی که ناپلئون مشغول ایجاد يك ستاد فرماندهی در نزدیکی اهرام مصر بود، قوای دریایی انگلیس، نیروی دریایی فرانسه را در سواحل مصر غافل؛ گیر کرد و قسمت اعظم ناوگان جنگی فرانسه را منهدم ساخت. این مسئله باعث عقب؛ نشینی ناپلئون گردید و پس از چندی به کشورش بازگشت.